



حرکت پاریس به سمت «فرگزیت» / کوچ احتمالی فرانسه از اتحادیه اروپا

شواهد و تحرکات موجود در جامعه سیاسی فرانسه حاکی از به قدرت رسیدن راستگرایان افراطی در دولت بعدی این کشور و آغاز مسیر ترک دائمی اتحادیه اروپا توسط پاریس در سال آینده است.

شواهد و تحرکات موجود در جامعه سیاسی فرانسه حاکی از به قدرت رسیدن راستگرایان افراطی در دولت بعدی این کشور و آغاز مسیر ترک دائمی اتحادیه اروپا توسط پاریس در سال آینده است.

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل - وحید پورتجریشی: خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا که به فرآیند «برگزیت» معروف است، یکی از شوک های بزرگ به عرصه مناسبات بین المللی در قرن بیستم محسوب می شود. خروج از اتحادیه ای که در پس وقایع پس از جنگ سرد شکل گرفت و معتقد به لزوم وجود یکپارچگی در ارزش های اروپا است. اگر دقیقاً از همین منظر به موضوع نگاه کنیم، این سوال در ذهن ایجاد می شود که آیا تغییری در ارزش های ملل اروپایی از سال ۱۹۹۳ یعنی سال تأسیس اتحادیه اروپا ایجاد شده است؟ آیا برگزیت نشان دهنده عدم تأمین منافع اعضای این اتحادیه در پس یک پیمان جمعی به حساب می آید؟

به هر حال، فرآیند برگزیت نهایتاً در تاریخ ۳۱ ژانویه سال ۲۰۲۰ رخ داد و همچنان سوال های زیادی را حتی در ذهن ملل غیر اروپایی ایجاد کرد. اما نکته مهم اینجاست که اگر تک تک اعضای مهم و مؤثر اتحادیه اروپا نیز به نتیجه مشابه با لندن برسند که این اتحادیه دیگر تأمین کننده منافع آنها نخواهد بود، چه بر سر بروکسل خواهد آمد؟ نشانه هایی که درست در زمان انجام مذاکرات بریتانیا با سران اتحادیه اروپا به ویژه در میان سیاستمداران فرانسوی ایجاد شد و همچنان به قوت خود باقی است.

«فرگزیت»، خطری بیخ گوش اتحادیه اروپا!

روی کار آمدن «دونالد ترامپ» در آمریکا و شکل گیری تدریجی اندیشه «ترامپیسم» در جهان تا حدی بر عالم روابط بین الملل تأثیرگذار بود که همزمان، «مارین لوپن» سیاستمدار راستگرای افراطی فرانسوی نیز خط مشی سیاسی ترامپ و «بوریس جانسون» نخست وزیر انگلیس را تبدیل به یک جریان فکری در جریان انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در سال ۲۰۱۷ در برابر رقیب انتخاباتی خود یعنی «امانوئل ماکرون» رئیس جمهور فعلی این کشور تبدیل کرد. هرچند لوپن در این انتخابات شکست خورد و نتوانست به مسند قدرت در فرانسه تکیه بزند، اما جریان فکری و افراد با نفوذ اطراف وی همچنان در عرصه سیاست این کشور جولان می دهند و همچنان به عنوان آلترناتیو اصلی جریان سیاسی فعلی فرانسه مشغول به فعالیت هستند؛ تا جاییکه روز شنبه، ۲۱ فروردین ماه مارین لوپن رسماً نامزدی خود را برای انتخابات سال آینده فرانسه اعلام کرد. لوپن، رهبر جناح راست افراطی موسوم به اجتماع ملی در یک کنفرانس خبری گفت که با انرژی گرفتن از بابت نتایج دلگرم کننده ای که نظرسنجی ها نشان می دهند، برای سومین بار نامزد ریاست جمهوری فرانسه می شود. وی در این گفتگو اعلام کرد: این نخستین بار است که من در نظرسنجی ها یک پیروزی ملموس کسب کرده ام.

در انتخابات سال ۲۰۱۲ مارین لوپن با کسب ۱۷.۹ درصد آرا در جایگاه سوم قرار گرفت. در سال ۲۰۱۷ نیز او ۲۱.۳ درصد آرای انتخابات ریاست جمهوری را در دور اول کسب کرد اما در دور دوم با کسب ۳۳.۹ درصد رأی شکست خورد.

طی سال جاری میلادی نیز نظرسنجی ها شانس خوبی را برای وی در مبارزه ای دشوار با امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فعلی فرانسه مطرح ساخته و برخی از آنها حتی حاکی از حمایت ۴۸ درصدی از او بوده اند.

لوپن در اظهاراتش گفت با در نظر گرفتن نتایج نظرسنجی ها، من به این نتیجه رسیدم فراتر از بحثی که گم شده است، بعد از یک کمپین بسیار خوب، فرانسوی ها درک کردند درون مایه ای اساسی وجود دارد و این کاندیدا قدرتمند است.

از سوی دیگر، همانطور که گفته شد، سیاستمداران قدرتمند جناح راست در فرانسه نیز از اندیشه های وی حمایت حداکثری کرده و ظاهراً تمام تلاش خود را برای رسیدن به قدرت در این دور از انتخابات ریاست جمهوری فرانسه که قرار است در آوریل سال ۲۰۲۲ یعنی حدود یک سال دیگر در این کشور برگزار شود، به کار بسته اند.

اما فارغ از بحث عدم توفیق ماکرون در عرصه سیاست داخلی و مشکلات داخلی فرانسه به ویژه در بخش اقتصاد و اخیراً هم حقوق شهروندی، باید دید چه عواملی در عرصه سیاست خارجی فرانسه وجود دارند که افرادی مانند لوپن و اندیشه وی را تا این حد قدرتمند ساخته اند؟

در خصوص جریان فکری راستگرایی افراطی در فرانسه باید بدانیم همانطور که گفته شد، سیاستمداران قدرتمندی در پس این تفکر وجود دارند که به صورت بالقوه نیز قدرت تأثیرگذاری بر افکار عمومی جامعه را دارند.

به عنوان مثال، می توان به «میشل بارنیر» رئیس سابق مذاکرات برگزیت از سوی اتحادیه اروپا اشاره کرد. سیاستمدار فرانسوی که طرفدار بی چون و چرای فرگزیت یا همان خروج فرانسه از اتحادیه اروپا محسوب می شود. وی در گفتگوی اخیر خود با نشریه «لا توکت» فرانسه از در پیش گرفتن سیاست مشابه با لندن توسط پاریس و تلاش برای خروج از اتحادیه اروپا حمایت کرد.

وی طی سخنانی اعلام کرد: «ما باید از درس های برگزیت برای خودمان استفاده کنیم. هرچند الان هم خیلی دیر است، ولی می توان از مدل بریتانیا استفاده کرد. ما امروز شاهد حضور شهروندانی هستیم که نه تنها در بریتانیا، بلکه همینجا در مناطق شمالی و شرقی فرانسه خواستار ترک اتحادیه اروپا هستند».

همچنین از دیگر افراد قدرتمند و پر نفوذ اطراف لوپن، می توان به «امانوئل درونی»، مشاور راستگرای «مارین لوپن» رهبر جبهه ملی فرانسه اشاره کرد که از جمله افراد نقش آفرین و تأثیر گذار در حمایت از جدایی طلبان شرق اوکراین نیز محسوب می شود.

سیاست های تحمیلی اتحادیه اروپا در خصوص پناهندگان

یکی از شعارها و دلایل اساسی راستگرایان فرانسه در خصوص جدایی این کشور از اتحادیه اروپا، سیاست های تحمیلی بروکسل به ویژه در خصوص پناهجویان است. فرانسه از گذشته نیز میزبان پناهجویان مستعمره های سابق خود مانند سودان و سومالی بوده است. پس از تشدید جنگ در سوریه و افزایش نا امنی های عراق در پی گسترش نفوذ داعش، میزبانی از پناهجویان این کشورهای عربی نیز به شکل فزاینده ای به پاریس تحمیل شد که خبر درگیری نیروهای امنیتی فرانسوی با آنها به ویژه در مناطقی مانند جنگل های «کاله» به صورت روزمره در رسانه های بین المللی پخش شده و تا ماه ها تیرتیر نخست رسانه ها را به خود اختصاص داده بود.

بر اساس گزارش ارائه شده از سوی دولت فرانسه به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، تنها در سال ۲۰۱۹، این کشور مجبور به اعطای پناهندگی به ۴۰۸ هزار پناهجو شده که البته این تعداد تنها شامل آن دسته از پناهجویانی است که مدارک پناهندگی خود را دریافت نموده و شامل کمپ نشینان در صف انتظار تأیید پناهندگی نمی شود. همین میزان پناهجو، نه تنها موجب تغییر در بافت فرهنگی فرانسه و تحمیل هزینه های سنگین نگهداری آنها به دولت فرانسه شده، بلکه سبب شکل گیری بحران های مهم اجتماعی و حوادث امنیتی در این کشور گشته است.

مشکلات ناشی از اقتصاد داخلی

تمامی مشکلات مزبور را باید به این نکته اضافه کرد که فرانسه طی سال های اخیر با بحران های شدید اقتصادی دست و پنجه نرم می کند؛ بحران هایی که معضل بیکاری در صدر آن بوده و در کنار مواردی چون افزایش قیمت سوخت و معضلات دیگر منجر به شکل گیری جنبش ضد دولتی «حلیقه زردها» در این کشور شد؛ مسأله ای که نهایتاً منجر به افزایش نا رضایتی شهروندان فرانسوی از سیاست های اقتصادی دولت از یک سو و از همه مهمتر گرایش به سمت راستگرایان و افزایش مخالفت با اتحادیه اروپا و سیاست های تحمیلی این بلوک اقتصادی؛ سیاستی در میان آنها شد؛ نا رضایتی که ظاهراً هر روز بر میزان آن افزوده می شود.

بار سنگین اتحادیه اروپا بر گردن ترویکا

از جمله مشکلات مهم اتحادیه اروپا که طی سالهای اخیر به شدت منجر به افزایش نارضایتی در میان شهروندان ترویکا اروپایی شده، حضور و وجود اقتصادهای ورشکسته و ناتوان در میان آنها به ویژه در شرق قاره سبز (متشکل از عمده کشورهای اروپایی جدا شده از شوروی سابق) بوده که عملاً بار اقتصادی سنگین آنها بر گردن اعضای صنعتی این اتحادیه تحمیل شده است. با این حساب، اتحادیه اروپا در حال حاضر ۲۸ عضو رسمی دارد (کشورهایی مانند بوسنی و هرزگوین، صربستان، اوکراین و …)؛ نیز در صف بررسی عضویت خود هستند) که به جز بیست درصد آنها که جزو اقتصادهای صنعتی و پیشرو محسوب می شوند، مابقی بار اضافی بر گردن اعضای دیگر به حساب آمده که باید با تزریق دائم کمک های مالی، ضعف قدرت اقتصادی دولت های آنها را نیز بر دوش بکشند. موضوعی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا نیز همواره در خصوص عضویت همین کشورها در ناتو و

لزوم پرداخت هزینه های آنها توسط ایالات متحده و آلمان ابراز نا رضایتی کرده و به همین دلیل نیز حمایت های خود از ناتو را تا حد بسیار چشمگیری کاهش داد.

در مجموع به نظر می رسد دقیقاً به دلیل همین موارد ذکر شده که منجر به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا شد، فرانسه نیز به احتمال زیاد در دولت جدید پس از ماکرون، سیاست مشابه با لندن را در پیش گرفته و فاصله خود با بروکسل را بیش از پیش افزایش خواهد داد. با این حساب، باید دید در صورت تصمیم قطعی فرانسه برای خروج از اتحادیه اروپا، آیا دیگر اقتصادهای قدرتمند این اتحادیه مانند آلمان، اتریش، فنلاند و سوئد، رغبتی برای ادامه ماندن در این اتحادیه را خواهند داشت و یا رفتن را به ماندن ترجیح می دهند.